

راهکارهای رفع مہجوریت قرآن کریم از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته)

برات محمد هدایتی^۱ و سید یاسین شاه^۲

چکیده

قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع هدایت بشر، محور زندگی، علم و فرهنگ اسلامی است؛ اما با گذشت زمان، مظاهر مہجوریت آن در جوامع اسلامی آشکار شده‌اند. مہجوریت قرآن کریم، چالشی بنیادین در جوامع اسلامی معاصر است که به‌معنای دوری عملی، فکری و قلبی از هدایت و تعالیم کلام وحی است. این پدیده، ریشه در پیچیدگی‌های زندگی مدرن و عدم ارائه شیوه‌های مؤثر و به‌روز برای ارتباط مستمر با قرآن دارد. این مقاله با هدف ارائه راهکارهایی عملی، کارآمد و همه‌جانبه، به بررسی ده راهکار کلیدی برای احیای ارتباط امت با قرآن می‌پردازد. این راهکارها شامل رویکردهای آموزشی، فرهنگی، فناورانه و نهادی هستند تا مہجوریت را از سطح فردی به سطح جمعی و ساختاری مرتفع سازند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مہجوریت قرآن، احیای معارف قرآنی، آموزش قرآن، سبک زندگی قرآنی.

۱. استاد همکار مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

قرآن کریم چشمه‌ای زلال از هدایت الهی است که مسلمانان را به رشد و رهایی فرا می‌خواند. با این حال، در طول قرون، جامعه اسلامی در مقام عمل و اندیشه از این کتاب آسمانی فاصله گرفته است. بررسی‌های اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که مہجوریت قرآن تنها در ترک تلاوت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در عدم حضور آن در نظام تربیتی، قانون‌گذاری، سبک زندگی و علوم انسانی تجلی یافته است. این فاصله، آسیب‌هایی را در حوزه اخلاق، فرهنگ و هویت دینی رقم زده است. پژوهش حاضر در پی آن است که ضمن تبیین مفهوم مہجوریت قرآن، راهکارهای رفع مہجوریت قرآن کریم را بررسی کند.

مفهوم‌شناسی مہجوریت قرآن

مہجوریت از ریشه «هجر» به معنای دور شدن از چیزی و ترک و روی‌گردانی از آن است (ابن منظور، بی‌تا، ج. ۵، ص. ۲۵۰-۲۵۲؛ زبیدی، ۱۹۹۴، ج. ۷، ص. ۳۴۰). ولی کلمه «اتخاذ» (به دست آوردن و گرفتن)، معنای جدیدی از کلمه «مہجوراً» را القا می‌کند (غفاری، بی‌تا). در اصطلاح علوم قرآنی، به معنای روی‌برگرداندن از قرآن و ترک آن، یاد نکردن، نشنیدن و درک نکردن آن است (طوسی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۴۸۶؛ زمخشری، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۳۹). امام خمینی نیز مصداق روشن مہجوریت قرآن را ترک مسائل مهم قرآنی و اسلامی و عمل برخلاف آن دانسته است (خمینی، ۱۳۸۹، ج. ۱۶، ص. ۳۴). «هجر» در لغت، به معنای «دوری کردن بدنی، زبانی یا قلبی از دیگری» است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص. ۵۱۴). ولی کلمه «اتخاذ» (به دست آوردن و گرفتن)، معنای جدیدی از کلمه «مہجوراً» را القا می‌کند و بیانگر این نکته است که قوم رسول اکرم نه تنها قرآن را وانهادند و ترک نگفته‌اند، بلکه آن را در اختیار گرفته و به آن دست یافته‌اند؛ ولی در اثر عدم درک صحیح و عدم استفاده شایسته و بایسته، قرآن عملاً مہجور و متروک مانده است. بنابراین، مہجور کردن قرآن یعنی روی‌گردانی و دوری از آن؛ در حالی که مہجور گرفتن قرآن یعنی پرداختن به قرآن به گونه‌ای که، اگرچه در ظاهر از این رویکردهای مختلف قرآنی بوی توجه و استفاده به مشام می‌رسد، در حقیقت همه این رویکردها بیگانه با قرآن است.

در مہجور کردن قرآن، شخص به خانه قرآن قدم نمی‌گذارد؛ ولی در مہجور گرفتن قرآن، فرد به میهمانی صاحب‌خانه‌ای فاضل و حکیم نایل شده است، اما به جای توجه به میزبان و استفاده از محضر وی، گرفتار نقش و نگار در و دیوار خانه شده است (غفاری، بی‌تا).

بررسی راهکارهای رفع مہجوریت قرآن کریم

۱. اعتقاد و باور جامعه به الگو بودن قرآن در تمام ابعاد زندگی

اولین موردی که توجه به آن در زدودن مہجوریت از قرآن لازم و ضروری به نظر می‌رسد، اعتقاد و باور به این امر است که قرآن می‌تواند در تمام زمینه‌های زندگی بشر، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... الگو باشد و می‌تواند انسان‌ها و جوامع انسانی را به سعادت برساند. مگر همین مسلمانان نبودند که

در سده‌های نخستین هجری، با الهام از تعالیم انسان‌ساز قرآن، توانستند قدرت آن روز جهان را در اختیار بگیرند و حتی در بسیاری از علوم و دانش‌ها پیشرو و برتر از سایر جوامع باشند؟ نگاهی به تاریخ در قرون اولیه اسلام این واقعیت را برای ما اثبات می‌کند؛ ولی متأسفانه با گذشت زمان و به علل متعدد، مسلمانان از این تعالیم عالی‌ه فاصله گرفتند و هویت قرآنی خود را از دست دادند و این فاصله گرفتن از قرآن باعث شد که موقعیت ویژه خود را در جامعه جهانی از دست بدهند. بنابراین، اگر امروز مسلمانان خواستار به دست آوردن آن موقعیت رفیع در صحنه جهانی هستند، باید به قرآن بازگردند و دستورات این کتاب عزیز را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی پیاده کنند.

۲. تصحیح فرهنگ استفاده از قرآن

یک فرهنگ نامناسب که در بین بیشتر افراد جامعه رایج است، این است که مردم قرآن را بیشتر برای کارهای جانبی و آماده کردن مجلس برای مراسم مختلف می‌خواهند. یکی از شایع‌ترین آن‌ها استفاده از قرآن در قبرستان‌ها و مجالس ترحیم است و تسلیت‌دهندگان و عزاداران معمولاً هیچ‌گونه توجهی به معانی و مفاهیم ندارند و هدف بیشتر کسانی که در چنین مراسمی شرکت می‌کنند، خواندن فاتحه‌ای برای شادی روح مرحوم است. می‌توان گفت که قرآن در خانه بسیاری از مسلمانان از روی طاقچه‌ها و داخل کمد‌ها پایین آورده نمی‌شود، تا چه رسد به اینکه بخواهند آن را بخوانند و در آن اندیشه کنند و فرامین آن را در زندگی پیاده کنند؛ چراکه دید این افراد این است که قرآن کتاب مقدسی است و کاربرد آن فقط در استخاره گرفتن و سفره عقد و عروسی و مسائلی از این قبیل است.

این مظلومیت و مهجوریت قرآن و این طرز فکر، تنها مختص عوام نیست، بلکه افراد تحصیل کرده جامعه هم با فرهنگ قرآن بیگانه‌اند. بسیاری از نخبگان و باسوادان جامعه نیز در زندگی روزمره به قرآن اهمیتی نمی‌دهند و با کمال تأسف باید اذعان داشت که در بین این طبقه نیز همان طرز تفکر عوام حاکم است و این گروه حداکثر کاری که می‌کنند این است که قرآن را بخوانند و احياناً در معانی هم دقت کنند، ولی عمل به دستورات و پایبندی به فرامین آن در جوامع اسلامی کنونی و حتی در جامعه شیعی ملموس نیست. به‌عنوان نمونه، در جامعه مشاهده می‌شود که والدین بسیار علاقه‌مندند تا فرزندانشان درس‌هایی مانند انگلیسی و ریاضی و... را یاد بگیرند، ولی به درس قرآن و آموزش آن توجهی نمی‌کنند.

درباره استفاده از قرآن می‌توان مردم جامعه را به چند دسته تقسیم کرد: ۱. گروهی از مردم که اکثریت را تشکیل می‌دهند، دیدگاهشان نسبت به قرآن همان است که ذکر شد. ۲. گروهی دیگر، قرآن را با هدف کسب ثواب و بدون توجه به معانی می‌خوانند. ۳. طبقه بالاتر از این گروه، کسانی هستند که علاوه بر خواندن قرآن، در معانی هم تدبر و اندیشه می‌کنند و به عبارتی، معانی قرآن را متناسب با ظرفیت خود می‌فهمند، ولی در عین فهمیدن، به آن عمل نمی‌کنند. ۴. گروه اندکی از مردم هم ضمن خواندن و تدبر و اندیشه در آیات، قرآن را سرلوحه زندگی فردی و اجتماعی خود قرار می‌دهند و در حقیقت، رستگاران واقعی اینان هستند.



امام خمینی (ره) به پیروی از فرهنگی که هدفش رهایی قرآن از قبرستان‌هاست، افتخار می‌کند. ایشان در مقدمه وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش می‌فرماید: «ما مفتخریم و ملت سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین، بلکه بشریت، دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به‌عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به‌سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد». به نظر می‌رسد برای رهایی از این آسیب باید تمام نهادهای فرهنگی کشور هماهنگ شوند و این تفکر را در میان اقشار مختلف جامعه، به‌خصوص جوانان، القا کنند که قرآن تنها برای مجالس ترحیم و سفره عقد و عروسی و خواندن و کسب ثواب نیست، بلکه قرآن کتاب زندگی است.

۳. توجه به معانی و مفاهیم

یکی دیگر از اموری که می‌تواند در مهجوریت‌زدایی از قرآن تأثیر داشته باشد، توجه دادن افراد جامعه به معانی و مفاهیم قرآن است. هم‌اکنون در بسیاری از مناطق کشور، کلاس‌های آموزش روخوانی، روان‌خوانی، تجوید، صوت و لحن دایر است و این امری بسیار پسندیده و در خور تقدیر است؛ اما آیا بسنده کردن به این حیطه‌ها کافی است؟ آیا به تعداد این کلاس‌ها، کلاس‌های مربوط به درک و فهم و تفسیر قرآن هم دایر است؟ مسلماً پاسخ منفی است و این نشان‌دهنده آن است که درک معانی و مفاهیم قرآن در جامعه نسبت به حیطه قبل مهجورتر است.

آنچه که اکنون در حیطه مسائل قرآنی بیشتر به آن بها داده می‌شود، توجه به تجوید، صوت و لحن و حفظ آیات قرآن است و نهادهای فرهنگی هم مسابقات خود را تحت عناوین مسابقات حفظ و قرائت قرآن برگزار می‌کنند و با کمال تأسف مشاهده می‌شود که از بحث درک مفاهیم قرآن در این مسابقات اثری نیست و یا اگر هست، بسیار کم‌رنگ است. وقتی مسئولان و نهادهای فرهنگی کشور در بخش مسابقات به این حیطه توجه لازم را نداشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت که حتی قاریان و حافظان هم گامی در جهت درک معانی قرآن بردارند.

۴. عمل کردن دست‌اندرکاران قرآن به دستورات قرآن

یکی از عوامل مهمی که در مهجوریت‌زدایی از قرآن می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد، این است که حافظان، قاریان، مفسران و تمام کسانی که در این بخش فعالیت دارند، عامل به قرآن باشند. این افراد که معمولاً در جامعه به‌عنوان افراد الگو مطرح هستند، خود باید از عواملان به دستورات قرآن باشند و سایر مردم این خوش‌بختی و سعادت را که در سایه عمل به قرآن به دست می‌آید، در زندگی این افراد ببینند تا بقیه هم نسبت به آن تمایل و رغبت پیدا کنند. ولی اگر قرار باشد که دست‌اندرکاران علوم قرآنی، قرآن را در زندگی خود پیاده نکنند، چه انتظاری می‌توان از دیگران داشت؟

خداوند متعال در قرآن کریم، کسانی را که می‌دانند ولی به دانسته‌های خود عمل نمی‌کنند نکوهش می‌کند و می‌فرماید: «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب خدا را می‌خوانید؟ آیا هیچ نمی‌اندیشید؟» (بقره/۴۴). و در آیه شریفه دیگری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید» (صف/۳۲).

مولای متقیان حضرت علی (ع) در بیانی نورانی می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ هرکس خود را پیشوای مردم قرار دهد، باید پیش از یاد دادن به دیگری، نخست به تعلیم نفس خویش بپردازد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰، ص. ۱۱۱۷).

بنابراین، اگر مردم تأثیرات قرآن را در زندگی دست‌اندرکاران علوم قرآن مشاهده کنند، به‌طور طبیعی به استفاده کردن از این کتاب و عمل به دستورات آن علاقه‌مند می‌شوند.

۵. دعوت افراد جامعه به تدبر و اندیشه در قرآن

یکی دیگر از اموری که می‌تواند در مهجوریت‌زدایی از قرآن تأثیر بسزایی داشته باشد، دعوت افراد جامعه به تدبر و اندیشه در آیات نورانی قرآن است. قرآن، خود را کتاب اندیشه معرفی می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد که در آن تفکر و اندیشه کنند. قرآن کریم به‌گونه‌ای نازل شده است که همگان بتوانند در آن تدبر کنند و از آن بهره‌مند شوند. در واقع، هرکس به‌اندازه ظرفیت‌ها و استعدادها می‌تواند از تعلیم این کتاب بهره‌مند شود و آن را بفهمد. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؛ و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟» (قمر/۲۲).

در روایات نیز به تفکر و اندیشه در آیات قرآن بسیار اهمیت داده شده است. حضرت علی (ع) در خطبه همّام، یکی از صفات متقین را تدبر و اندیشه در آیات قرآن می‌داند و می‌فرماید: «پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده، مشغول نمازند؛ قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند، با قرآن جان خود را محزون می‌دارند و داروی درد خود را از آن می‌یابند. وقتی به آیه‌ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی می‌آورند و با جان پرشوق در آن خیره می‌شوند و گمان می‌برند که نعمت‌های بهشت برابر دیدگانشان قرار دارد و هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند و گویا صدای برهم خوردن شعله‌های آتش در گوششان طنین‌افکن است. پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می‌طلبند» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۱۹۳، ص. ۴۰۳).

۶. نگاه ویژه آموزش و پرورش به درس قرآن

یکی از نهادهایی که می‌تواند در راستای مهجوریت‌زدایی از قرآن بسیار تأثیرگذار باشد، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش، قشر عظیمی از نوجوانان و جوانان را در اختیار دارد که این قشر از ویژگی‌های



منحصربه‌فردی برخوردارند و مطابق کلام معروف امیرمؤمنان حضرت علی (ع) که فرمود: «العلم فی الصغر کالنفس فی الحجر»، از انعطاف‌پذیری بسیاری برخوردارند (مجلسی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۲۲۴). چه بهتر که در این سنین، روح و روان این قشر با آیات کریمه قرآن پیوند بخورد و به تعبیر امام جعفر صادق (ع): «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ؛ هرکس قرآن را بخواند، در حالی که جوانی مؤمن است، قرآن با گوشت و خونس آمیخته می‌شود» و جوانی که روح و روانش با قرآن همراه شود، می‌تواند تمام برنامه‌های زندگی‌اش را بر مبنای قرآن قرار دهد و چنین جوانی در زندگی به بن‌بست نمی‌رسد.

لازم به ذکر است که این رویکرد قرآنی در آموزش و پرورش نباید منحصر به حیطه روخوانی و تجوید... باشد، بلکه باید به جوان آموخت که قرآن کتاب زندگی است و الگوهای عملی آن را نشان داد، تا جوان به این باور برسد که می‌تواند تمام برنامه‌های زندگی خود را بر پایه قرآن قرار دهد. مهم‌ترین ثمره اقبال جوانان به قرآن، خارج شدن قرآن از مهجوریت خواهد بود و البته نتایج گران‌بهای دیگری هم خواهد داشت که در این نوشتار بررسی نمی‌شود. این نکته نیز شایان توجه است که امروزه، با توجه به خلأ فرهنگی‌ای که در اثر عدم توجه یا کم‌توجهی خانواده‌ها و مسئولان نسبت به الگوهای قرآنی وجود دارد، بسیاری از جوانان الگوهای زندگی خود را از ستارگان سینما و ستارگان ورزش انتخاب کرده‌اند. بنابراین، آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد فرهنگی که قشر عظیمی از سرمایه‌های جامعه را در اختیار دارد، می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی و کارشناسانه در رفع مهجوریت از قرآن بسیار تأثیرگذار باشد.

۷. توجه خاص مراکز علمی - فرهنگی به مباحث قرآنی

نقشی که روشنفکران هر جامعه در ابعاد مختلف و تأثیری که می‌توانند در جامعه و افراد داشته باشند، کاملاً بدیهی و روشن است. آنچه امروزه به لطف و عنایت خداوند متعال و نظام مقدس اسلامی در مراکز دانشگاهی مشاهده می‌شود، رویکرد جدید این مراکز به دروس علوم قرآنی است که این رویکرد در آینده تأثیرات بسیار خوبی را در جامعه خواهد داشت. تربیت متخصص در حیطه علوم قرآن، باعث بهره‌مندی دانشگاهیان و جامعه از معارف والای قرآن خواهد شد. از سوی دیگر، در مراکز حوزوی نیز همین توجه خاص به علوم قرآنی و تربیت متخصص، همین نتایج را برای جامعه به همراه خواهد داشت. هماهنگی حوزه و دانشگاه در این راستا و نشر معارف قرآن در سطح جامعه، تأثیر بسزایی در زدودن مهجوریت از چهره تابناک قرآن خواهد داشت.

۸. محور قرار دادن قرآن در سخنرانی‌ها

روحانیون و مبلغان علوم دینی، با توجه به نقش سازنده و تأثیرگذاری که در جامعه دارند، می‌توانند به مهجوریت‌زدایی از قرآن کمک شایانی بکنند و این امر محقق نمی‌شود، مگر اینکه مباحث سخنرانی‌ها با محوریت قرآن انجام گیرد. به تعبیری، در سخنرانی‌ها باید قرآن اصل باشد، نه اینکه یک موضوع مطرح شود و برای اثبات درستی آن به آیات قرآن استناد شود؛ اگرچه این کار هم اشکالی ندارد، ولی اصل قرار دادن قرآن

در موضوع سخنرانی، به مخاطب القا می‌کند که همه‌چیز بر اساس قرآن است و نتیجه آن تشویق مخاطبان و توجه آن‌ها به قرآن خواهد بود (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

خداوند حکیم و متعال، انسان را به نیروی عقل و فکر مجهز کرد و در او استعداد‌های بالقوه فراوانی را به ودیعت نهاد و تمام قوای هستی را مسخر و رام او گردانید. از سوی دیگر، با فرستادن پیامبران الهی و کتب آسمانی، به انسان فهماند که تنها راه سعادت، حرکت در خط سیر انبیا مطابق با کتب آسمانی اوست. آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین کتاب را که جامع تمام دستورات و تعالیم دنیا و آخرت است، برای بشریت آورد. پیامبر اکرم (ص) کسب این سعادت را مشروط به عمل به قرآن و تمسک به اهل بیت خویش می‌داند. از آنجا که حضرت محمد (ص) متصل به وحی الهی بود، دریافت که امتش از قرآن اعراض خواهند کرد و آن را متروک خواهند گذاشت و دستورات آن را در زندگی پیاده نخواهند کرد. از این رو، به درگاه حضرت حق از مهجور شدن قرآن در بین مسلمانان شکایت کرد؛ اگرچه گروهی معتقدند که ایشان این شکایت را در روز قیامت به درگاه الهی عرضه خواهد داشت.

مهجوریت قرآن به این معنا نیست که مردم قرآن را نمی‌خوانند یا در آن اندیشه نمی‌کنند، اگرچه می‌تواند شامل این معانی هم بشود. معنای حقیقی مهجوریت قرآن این است که مردم به دستورات و تعالیم قرآن در زندگی عمل نمی‌کنند. ممکن است بسیاری از مردم قرآن را بخوانند و به نیکوترین وجه تلاوت کنند و حتی آن را بفهمند، ولی باز هم در بینشان مهجور باشد. نخواندن قرآن، ترجیح کتاب‌های دیگر بر قرآن، اندیشه و تدبیر نکردن در قرآن و از همه مهم‌تر، عمل نکردن به قرآن، از مصادیق مهجوریت قرآن است. برای زدودن مهجوریت از چهره قرآن، لازم است که رویکرد مسئولان و دیدگاه جامعه نسبت به قرآن دگرگون شود. مسئولان فرهنگی کشور، اعم از مراکز علمی، فرهنگی و آموزشی، باید قرآن را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند و جامعه هم باید به این باور برسد که قرآن کتاب زندگی است. اعتقاد و باور جامعه به الگو بودن قرآن در تمام ابعاد، تصحیح فرهنگ استفاده از قرآن در بین افراد جامعه، توجه به معانی و مفاهیم قرآن، عمل کردن دست‌اندرکاران قرآن به دستورات آن، دعوت افراد جامعه به تدبیر و اندیشه در قرآن، نگاه ویژه آموزش و پرورش به درس قرآن، توجه خاص مراکز علمی - فرهنگی به مباحث قرآنی و محور قرار دادن قرآن در سخنرانی‌ها، از جمله اموری است که می‌تواند به رفع مهجوریت از قرآن کمک شایانی بکند. بنا بر آنچه گفته شد، اگر جامعه بخواهد مشمول شکایت و گالیله پیامبر (ص) در رابطه با مهجوریت قرآن نشود و قرآن را از مهجوریت خارج کند، باید تعالیم انسان‌ساز آن را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی پیاده کند و تنها در این صورت است که بشریت به سعادت و کمال خواهد رسید.

به امید روزی که شاهد جامعه‌ای باشیم که در آن، مسلمانان قرآن را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کنند.



منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). من لا یحضره الفقیه (تصحیح علی‌اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۶۸). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.

اسماعیل‌زاده، محمد. (۱۳۸۸). مهجوریت قرآن و راه‌های زدودن آن. معارف، (۷۴).

امین، نصرت‌بیگم. (بی‌تا). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. اصفهان: انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۷۱، ۵ بهمن). بیانات رهبر انقلاب. بازیابی شده از farsi.khamenei.ir

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت: از منظر حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی. (بی‌تا). حدیث ولایت ۳: مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲ [نرم‌افزار].

خامنه‌ای، سید علی. (بی‌تا). سخنرانی. بازیابی شده از <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33886>

خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

غفاری، مهدی. (بی‌تا). مهجوریت قرآن. بینات، (۳۰).

فیض کاشانی، محمد بن شاه‌مرتضی. (۱۳۷۳). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۸۸). ترجمه تفسیر قمی (ترجمه جابر رضوانی). قم: بنی‌الزهراء.

نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسة آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.